

«مقدمه»

به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

۱- ستایش بر آستان جانان

سپاس و ستایش بر بخشایشگر گیتی که بر بنده خویش منت نعمت سخن ارزانی داشته تا بر ادای فرض و دفع مرض بدان وسیله فیروز گردد. دادگر یکتا و یاریگر بی‌همتا که با عنایت او اندیشه نارسای نگارنده بر لوح چند آفرینه جاری شد و از آن میان اثر پیش‌رو تاکنون در پانزده نوبت به زیور طبع آراسته گردید. با این توضیح که سه نوبت از چاپ (نخست تا سوم) چون توسط ناشران دیگر (روزنامه رسمی و خط سوم) صورت گرفت، برابر ضوابط وزارت فرهنگ، ویراست چهارم از سوی ناشر محترم (دادگستر) دوباره از نوبت نخست شروع شد.

۲- زمینه فکری و پیشینه نشر اثر

انتشار اثری که در بردارنده عنوان‌های حقوقی و کیفری؛ فعل و ترک فعل مجرمانه، خواسته‌های دعوا و هر موضوع با وصف حقوقی و کیفری باشد، از سال ۱۳۷۶ در زمان

۸ □ فهرست الفبایی عناوین حقوقی و کیفری

خدمت قضاییام در دادگستری آستارا به ذهن رسوخ یافت. در کتابی به قطع وزیری با حدود ۲۰۰ صفحه آن اندیشه نخستین بار جاری شد و توسط روزنامه رسمی نشر یافت. از آن هنگام تا کنون برغم چالش‌ها و گرفتاری‌ها این فکر خاموش نشد و حاصل اندیشه در پانزده نوبت به مخاطبین گرامی عرضه شد. نیل به این موهبت در گرو دو امر مبارک بود؛ عنایت خداوند متعال و پیگیری و همراهی دوستان مخاطب.

۳- اهمیت موضوع

کشگران در فضای نهادهای دادرسی نیک می‌دانند که از یک سو؛ وظیفه مهم اصحاب مناقشه و اشخاص درگیر در یک ماجرای حقوقی و کیفری توصیف درست و دقیق خواسته دعوا یا موضوع اتهام و واکنش برابر آن است. همینطور یافتن نص قانونی هماهنگ با این مقصود که بتواند مراتب دادخواهی یا دفاع را مستند سازد. از سوی دیگر؛ مهم‌ترین و اولین التزام پیش‌روی قاضی در رویارویی با دعوای کیفری یا حقوقی، احراز درستی توصیف به عمل آمده نسبت به رفتار متهم یا مطالبه دادخواه است. این دغدغه در رویارویی موضوع با احکام قانونی به دست می‌آید. با این توضیح می‌توانم اهمیت و ارزش آفرینش اثری در این نمودار را اینگونه برشمارم. امید که آفرینه نگارنده در بردارنده این ویژگی‌ها باشد:

۱- دستگیری مراجعه‌کننده به دادگستری و دیگر نهادهای دادرسی در نگارش مستند

مراتب دادخواهی

۲- پیدایی مستندات حکمی هر موضوع موردنظر در قلمرو مناقشات کیفری و حقوقی

۳- بهبود جریان سازگاری مستندات موضوعی و مستندات قانونی

۴- تعدیل زمان تنظیم و نگارش شکایت و دادخواست

۵- کمک به دادرسان به هنگام رویارویی با انبوهی از مقررات مرتبط در پیدایی

حکم یا احکام مرتبط با موضوع

- ۶- تلنگری به قانونگذار و سازندگان قواعد حقوقی به ویژه با ملاحظه انباشت مقررات و فراوانی احکام ناسخ و منسوخ، رها شده و بی‌فایده و پیامدهای بد ناشی از آن
- ۷- همراهی با دیدگاه‌های جاری در محافل حقوقی به ویژه در آن بخش که معطوف به؛ به سازی قواعد حقوقی و تولید و تکثیر مقررات است.
- ۸- روشنگری برای اهل پژوهش در شعبه‌ها و زیرشاخه‌های گوناگون رشته حقوق از طریق معرفی احکام و مقررات ناظر بر موضوع تحت پژوهش

۴- چالش‌های پیش‌رو

خلق اثری از این دست افزون بر مشکلاتی که هر آفرینه‌ای را می‌آزارد، با چالش‌های ویژه نیز روبروست. مهمترین مشکل؛ وضع پی‌درپی، گاه بی‌وجه، گاه ناسخ و منسوخ و هنگامی عبث و بیهوده قانون از سوی قانونگذار است. در سال‌های اخیر ده‌ها عنوان قانون با موضوع حقوقی و کیفری پیدا شد. ثروت انبوهی از این محل تباه گردید یا دستاورد قانونگذار پیشین دستخوش اصلاح و الحاق شد. می‌توان گواهی داد که شمار قابل توجهی از این اقدام سودمند و سازنده نبوده است. این دگرگونی آن هم در ارزشمندترین اسناد رسمی هم برای یکایک شهروندان و هم برای نهادها و سازمان‌ها و مراجع دولتی، اداری و دیوانی، ناخوشایند است. پیامد دیگر آن گرفتاری اهل پژوهش و کسانی است که با محصول قانونگذار پیوند می‌یابند.

عمر پایدار و استمرار حضور شکوهمند مقررات؛ افزون بر تناوری و هیمنه محتوای آن، موجب الفت و معرفت بیشتر جامعه می‌شود و به تدریج تبدیل به فرهنگ عمومی و هنجار رسمی می‌گردد. نگرش در آن دسته از قوانین که از حیات بیشتر برخوردارند، گواه این ادعا هست. قانون راجع به مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در ۵۰ سال دوره حضور باورهای عمیق در مردم ایجاد کرد و نتایج برخی از احکام آن را حتا مردم عادی در نقاط محروم پیش از رجوع به دادگستری در می‌یافتند. این قانون شکوهمند با کم‌ترین تغییر آن هم بنا به نیاز ناشی از دگرگونی زمان و دغدغه‌ها، روبرو شد. قانون

۱۰ □ فهرست القابیی عناوین حقوقی و کیفری

مدنی که «مهم‌ترین و ارزشمندترین سند تقنینی در طول دوره قانونگذاری در ایران است»، دلیل دیگر بر پیوند تنگاتنگ ارزش محتوایی قانون و دوران زندگانی آن است. در نمونه‌های خارجی؛ قانون مدنی فرانسه (Code Civil . 1804 با بازنگری سال ۲۰۱۶) و قانون آیین دادرسی مدنی آلمان (Zivilprozessgesetz. 1877) و ده‌ها سند تقنینی دیگر، موافق این برداشت است.

چنین روندی بی‌گمان خسران‌ساز است. هم محیط دادرسی را آلوده می‌سازد و موجب پیدایی آرای ناموافق و نایکنواخت در موضوع همانند می‌شود و هم مردم و اهل پژوهش را با این واهمه مشغول می‌سازد که با تکیه بر مقرره فعلی شاید نتوان رابطه حقوقی پایدار برقرار نمود یا محصولی بادوام آفرینش نمود.

گذشته از چالش ناپایداری مقررات که موجب زحمت و مرارت بسیار در خلق این اثر شد، برداشت چندگانه از احکام قانونگذار گردآوری موضوعات را در قالب عنوان‌های مشخص دشوار می‌سازد. در نزد پژوهشگران و نیز فعالین در محیط دادرسی، عنوان‌های حقوقی و کیفری به یکسان و یک شکل برداشت و معرفی نمی‌شود.

دشواری دیگر فراوانی نرخ جرم و پیدایی چهره‌های تازه از آن است. در پی رشد تکنولوژی و دگرگونی نوع زندگانی بشر، رخدادهای ناگوار رنگ دگر یافته و دادگستری با ورود مهمان‌های تازه و محصولات بکر و بی‌پیشینه روبرو شده است. وصف مجرمانه این نوع رفتارها از سوی مقنن هرچند قابل توجیه است، اما برای اهل پژوهش و نیز حتماً قاضیان دادگستری گران تمام می‌شود.

در این بین آنچه توجیه ندارد، جرم‌انگاری نسبت به رفتارهایی است که پیش‌تر وجود داشته اما نارسایی در دستگاه عمومی عدالت، حاکمیت را به تغییر وصف آن رفتار وادار ساخت. همین‌طور تورم مقررات جزایی، افزایش جمعیت کیفری، گسترش مراجع با صلاحیت‌های ویژه و موردی به جای تعدیل آنها و پهناوری حوزه صلاحیت

فهرست الفبایی عناوین کیفری و حقوقی □ ۱۱

مراجع قضایی در ورود به قلمرو زندگی و روابط خصوصی، سیاست جنایی و تقنینی پسندیده‌ای نیست.

در سال‌های اخیر تنها در یک فقهه؛ شاهد وضع بیش از دویست عنوان مجرمانه در فصل جرایم رایانه‌ای الحاقی ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی بودیم. در مقررات جزایی دیگر نیز بیش و کم چنین دگرگونی را دیده‌ایم.

دگرگونی و به‌سازی احکام همسو با وضع زمان و نیازهای هر دوره و شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشور ضروری است. اما در این مسیر باید معیارهای درست و ضرورت پایان‌بخشی به یک حکم یا دگرگونی آن را در نظر گرفت و از خرد و اندوخته اهل نظر بهره‌مند شد.

۵- یادآوری نکاتی پیرامون اثر

۱- اثر پیش‌رو دربردارنده همه عنوان‌های حقوقی و کیفری نیست. چه این برنامه با توجه به پراکندگی قوانین، فراوانی آرا و برداشت‌های حقوقی و دامنه نامحدود این عنوان‌ها، شدنی نیست. افزون بر آن وضع پی در پی قوانین به شکلی انسجام‌گسیخته که پیشه و رویه قانونگذار شد، این امر را دشوارتر ساخته است. دگرگونی هر نوبت انتشار اثر حاضر در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد معلول همین رفتار قانونگذار است.

۲- در برخی موارد به پاره‌ای از مقررات نسخ شده و رها شده، اشاره شد. نگارنده به گذر دوره اعتبار آن احکام توجه داشته اما اهمیت موضوع به ویژه برای اهل پژوهش و دنبال‌کنندگان سیر تحول تاریخی و تقنینی احکام، موجب شد؛ به آنها اشاره شود.

۳- چون موضوعات حقوقی و کیفری در همه موارد یکدست و واحد نیست و بسته به نگرش هر خواننده‌ای با نام و عنوان خاص به ذهن می‌آید، تلاش شده در موضوعاتی که در قالب چند عنوان تداعی می‌شود، همه عنوان‌ها مطرح شود. برای مثال در خصوص موضوع: «تهیه و توزیع هروئین» ممکن است مخاطبی با تمرکز بر مواد مخدر در حرف «م» در جستجوی ماده قانونی مربوط باشد و مخاطب دیگر با تمرکز بر

۱۲ □ فهرست الفبایی عناوین حقوقی و کیفری

عنوان «هروئین» در ردیف «ه» در پی این مقصود باشد. و نیز حتما ممکن است مخاطب دیگر با تمرکز بر عنوان «تهیه» در حرف «ت» چنین جستجویی را آغاز کند. همچنین در عنوان‌های حقوقی در موضوعی چون: «ابطال دادخواست»، جوینده‌ای این عنوان را در ردیف «الف» و خواننده‌ای با عنوان «قرار ابطال دادخواست» در ردیف «ق» بدنبال پیدایی ماده قانونی حاکم باشد. بدین منظور عنوان‌ها با ویژگی‌های یادشده در همه ردیف‌های قابل تصور درج گردید.

۴- آرای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور و گاه آرای اصراری، آرای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عدالت اداری و نظریات مشورتی اداره کل تدوین مقررات در مواردی با تلقی ضرورت امر، آورده شد. آرای وحدت رویه چون از اعتبار احکام قانونی برخوردار است بدون استثناء در پیوند با موضوع آورده شد. اما اسناد دیگر به سبب فراوانی و نیز ارزش استنادی کمتر در مواردی که نیاز دیده شد، بازتاب یافت.

امیدوارم محصول پیش‌رو چون گذشته با اقبال و پسند اندیشمندان، دادرسان، وکلای دادگستری و همه اعضای خانواده حقوق روبرو شود و به سهم خود در غنای اندیشه‌ها و بهبود فرآیندها نقش آفرین باشد. به حتم محصول پیش‌رو دارای نارسایی و کمبودهای بی‌شمار است. نقد و نصیحت دوستان و اندیشمندان گرامی موجب دلگرمی و شادمانی برای نگارنده خواهد بود.